

Explanation of the scientific and educational record of Ali Qoli Mirza Etezad al-Saltanah; Minister of Science during the era of Nasser al-Din Shah (1274-1298 AH)

Behdad(Hamzeh) Hoseini *¹

Faculty of Literature and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 2025/07/21

Received in revised form: 2025/08/21

Accepted: 2025/09/11

Published: 2025/09/23

Abstract

Iranian reformist political figures in the Qajar period, after becoming familiar with the scientific advances of Western civilization, made great efforts to modernize Iran and compensate for the country's backwardness in various scientific, cultural, economic, political, social and military aspects. Prince Aligholi Mirza Etezad al-Saltanah was one of these reformers, who served as the first Minister of Science and Head of the Dar al-Fonun School (1274-1298 AH). During the era of Nasser al-Din Shah, he did a lot of work for the scientific and educational transformation and modernization of Iran. The present article, using the descriptive-analytical method and the method of collecting data from the documentary-library type, seeks to answer the main question: what measures did Etezad al-Saltanah take for the scientific and educational modernization of Iran and what role did his performance in this field play in the scientific and educational developments and advancements of the country? The results of this study show that, with the belief and awareness that the first cornerstone and the main basis and foundation of Iran's development and progress is the transformation and advancement of the country's scientific and educational status through the acquisition and transfer of new European sciences and technologies and related institutions, he took measures such as sending students to Europe, publishing newspapers, developing translation and printing houses, reforming the educational system, establishing new disciplines in the country's scientific centers, writing and translating books, and setting up institutions, industries, and equipment related to new scientific and educational issues. A study of Iran's scientific developments during that period shows that these royal initiatives were very influential in the country's scientific and educational transformation, progress, and modernization, and played a role in laying the groundwork for new structural changes in Iranian society in later periods (the Constitutional Revolution).

Keywords: Etezad al-Saltaneh, Ministry of Science, Darul-Fonon, modern sciences, translation of European works.

Cite as: Hoseini Behdad. Explanation of the scientific and educational record of Ali Qoli Mirza Etezad al-Saltanah; Minister of Science during the era of Nasser al-Din Shah (1274-1298 AH) • Iranian History of Culture.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online):3060-8066

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2025.68165.1071

* Postdoctoral Researcher in the field of Iranian History after Islam.

Hamzeh.hoseini1366@gmail.com

تبیین کارنامه علمی و آموزشی علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه؛ وزیر علوم عصر

ناصرالدین شاه (۱۲۷۴-۱۲۹۸ق.)

بهداد(حمزه) حسینی * 

۱- دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

چکیده

شخصیت‌های سیاسی اصلاح‌گر ایرانی در دوره قاجار بعد از آشنایی با پیشرفتهای علمی تمدن غرب، تلاشهای زیادی را برای نوگرایی ایران و جبران عقب ماندگی کشور در جنبه‌های گوناگون علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی انجام داده‌اند. شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه یکی از این اصلاح‌گران بود که در مقام اولین وزیر علوم و رئیس مدرسه دارالفنون (۱۲۹۸-۱۲۷۴ق.) در عصر ناصرالدین شاه، برای تحول و نوگرایی علمی و آموزشی ایران فعالیتهای زیادی انجام داده است. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها از نوع اسنادی-کتابخانه‌ای؛ درصدد پاسخ به این سوال اصلی است که اعتضادالسلطنه برای نوسازی علمی و آموزشی ایران چه اقداماتی انجام داد و عملکرد وی در این زمینه چه نقشی در تحولات و پیشرفتهای علمی و آموزشی کشور داشته است؟ نتایج این بررسی نشان می‌دهد که وی با اعتقاد و آگاهی به این مسئله که سنگ بنای نخستین و بستر و پایه اصلی توسعه و پیشرفت ایران، تحول و ترقی در وضعیت علمی و آموزشی کشور از طریق اخذ و انتقال علوم و فنون جدید اروپا و نهادهای مربوط به آن است، به اقداماتی همچون اعزام دانشجو به اروپا، انتشار روزنامه، توسعه دارالترجمه و دارالطباعة، اصلاح نظام آموزشی، تاسیس رشته‌های جدید در مراکز علمی کشور، تالیف و ترجمه کتاب و راهاندازی نهادهای، صنایع و تجهیزات مربوط به مسائل علمی و آموزشی جدید دست زد. بررسی تحولات علمی ایران در آن دوران نشان می‌دهد که این اقدامات اعتضادالسلطنه در تحول، ترقی و نوسازی علمی و آموزشی کشور بسیار تاثیرگذار بوده و در زمینه‌سازی برای تحولات ساختاری جدید جامعه ایران در دوره‌های بعد (انقلاب مشروطه) نقش آفرینی کرده است.

کلیدواژه‌ها: اعتضادالسلطنه، وزارت علوم، دارالفنون، علوم جدید، ترجمه آثار اروپایی

نحوه ارجاع: حسینی بهداد. "تبیین کارنامه علمی و آموزشی علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه؛ وزیر علوم عصر ناصرالدین شاه (۱۲۷۴-۱۲۹۸ق.)". تاریخ فرهنگ ایران.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2025.68165.1071

مقدمه

پیشرفت‌های چشمگیر و خیره‌کننده کشورهای اروپایی در سده نوزدهم در اثر تحولات علمی، آموزشی، صنعتی و فناورانه سبب شده بود، تا بعد از آشنایی و تماس جامعه ایران در دوره قاجار با جهان غرب، این فکر در اذهان دولتمردان اصلاح‌گر ایرانی پدید آید که بستر و ساختار لازم برای تحول، نوگرایی و توسعه ایران نو، ایجاد نظام نوین آموزشی و علمی اقتباس شده از اروپا می‌باشد.

آنها با بررسی دلایل پیشرفت اروپاییان به این نتیجه رسیدند تا زمانی که اقدامات لازم برای تحول علمی و آموزشی کشور تحقق نپذیرد؛ امکان پیشرفت و نوسازی کشور وجود ندارد. به عبارت دیگر باید گفت آنها می‌خواستند با ایجاد و تأسیس نهادها و مراکز علمی و آموزشی جدید در ایران، علوم و فنون اروپایی را به ایران انتقال دهند و از این طریق ایران را از عقب ماندگی برهانند و در مسیر توسعه و نوسازی قرار دهند.

یکی از این اصلاح‌گران پرتلاش و دغدغه‌مند ایرانی، شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه بوده است. وی به دلیل شخصیت و جایگاه علمی ممتازش از طرف ناصرالدین‌شاه قاجار به ریاست مدرسه دارالفنون (۱۲۷۴ق.) انتخاب شد و سپس با تشکیل وزارتخانه‌های جدید در کشور به عنوان اولین وزیر علوم کشور منصوب گردید. با توجه به مسئولیت ۲۴ ساله (۱۲۹۸-۱۲۷۴ه.ق) وی بر مهم‌ترین مناصب علمی کشور و همچنین تحولات علمی جدید و بی‌سابقه در این دوران، شناخت و بررسی جایگاه و نقش اعتضادالسلطنه در تحولات علمی و آموزشی این دوره بسیار حائز اهمیت و دارای ضرورت است.

از این رو سوال اصلی مقاله حاضر این است که اعتضادالسلطنه در منصب اولین وزیر علوم و رئیس دارالفنون چه اقداماتی برای نوگرایی علمی و آموزشی ایران انجام داد؟ بررسی دوران مسئولیت اعتضادالسلطنه در وزارت علوم و دارالفنون نشان می‌دهد که وضعیت علمی و آموزشی کشور در آن دوره دچار تغییرات و تحولات قابل توجه شده بود. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و روش گردآوری داده‌ها از نوع اسنادی-کتابخانه‌ای است؛ بنابراین، جامعه آماری بر اسناد و مدارک رسمی و غیررسمی مرتبط با اعتضادالسلطنه و فعالیت‌های علمی و آموزشی وی تکیه دارد و تلاش شده است تا با استناد به منابع و اسناد موجود، روایتی از کارنامه و عملکرد وی در تحولات علمی و آموزشی جامعه ایران ارائه شود.

بحث (متن مقاله)

پیشینه و روش تحقیق

در مورد اقدامات علمی و آموزشی اعتضادالسلطنه در منابع اطلاعات مختلفی وجود دارد. محبوبه طاهری و همکارانش در مقاله با عنوان «تحلیل سبک روایتگری اعتضادالسلطنه در اکسیر التواریخ» شیوه تاریخنگاری وی را در این کتاب بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که اعتضادالسلطنه این کتاب را با نثری مصنوع و متکلف بر پایه‌ی نوعی روایتگری برگرفته از سنت تاریخنگاری دبیری و دیوانی دربار قاجار به نگارش در آورده است.

مقاله پژوهشی

زهرامیری (۱۳۸۷). در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی شیوه‌های تاریخنگاری شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه» باز هم به شیوه تاریخنگاری وی پرداخته است و اعتقاد دارد که وی در ابتدای تاریخنگاری خود، همان روش و شیوه سنتی را به کار گرفته بود؛ ولی بعد از آشنایی با تحولات علمی جدید، اولین گام‌ها را برای تاریخنگاری نوین برداشته است.

اقبال یغمایی در دو مقاله به ترتیب (۱۳۲۸). یکی با عنوان «علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه» بررسی کوتاهی در مورد زندگینامه و برخی اقدامات علمی و آموزشی وی انجام داد. سپس در مقاله دیگر (۱۳۴۶). با عنوان «علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه نخستین وزیر علوم» ضمن معرفی وی، بیشتر به اقداماتش در زمینه احداث تلگراف و فعالیتهای او در حوزه دارالفنون پرداخته است. سیدعلی آل داوود (۱۳۷۹). در مقاله با عنوان «اعتضادالسلطنه؛ علیقلی خان» بررسی خیلی کوتاهی در مورد حیات سیاسی و اقدامات علمی و پژوهشی وی انجام داد.

معصومه گودرزی و مرتضی دهقان نژاد (۱۳۹۵). در مقاله‌ی دیگر با عنوان «تطور تاریخنگاری شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه» باز هم مراحل تحول شیوه تاریخنگاری وی را مورد پژوهش قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که وی در آغاز تاریخنگاری خود از شیوه‌های سنتی استفاده کرد؛ ولی بعد از آشنایی با دستاوردهای علمی جدید تمدن غرب، تاریخنگاری خود را بر مبنای عقلانیت و استفاده از دیگر علوم به نگارش در آورده است.

پژوهش حاضر ضمن احترام به پژوهش‌های انجام‌شده و بهره‌گیری از آنها مدعی است که اعتضادالسلطنه به عنوان نخستین وزیر علوم تاریخ معاصر ایران و رئیس دارالفنون اقدامات و برنامه‌های مهمی را برای اصلاح و تحول وضعیت علمی و آموزشی ایران در فاصله سالهای (۱۲۹۸-۱۲۷۴ ق.) انجام داد که ضرورت پژوهش مستقل و جامعی را می‌طلبد. به عبارت دیگر باید گفت هر چند در پژوهش‌های ذکر شده و دیگر پژوهش‌هایی که مجال ذکر آنها در این مقاله نبود؛ اطلاعات پراکنده در مورد اقدامات علمی اعتضادالسلطنه وجود دارد؛ ولی تاکنون پژوهشی که کارنامه علمی و آموزشی وی را جداگانه مورد بررسی قرار دهد به رشته تحریر در نیامده است. بنابراین، تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های انجام‌شده در این است که کارنامه و عملکرد اعتضادالسلطنه را به طور مستقل در حوزه علمی و آموزشی به صورت فراگیر و همه‌جانبه مورد بررسی و تبیین قرار داده است.

۳. معرفی اعتضادالسلطنه

علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه (۱۲۹۸-۱۲۳۴ ق.) یکی از مهم‌ترین نواندیشان ایرانی عصر ناصری بود که کوشش فراوانی در اشاعه و رواج اندیشه‌ها و علوم و فنون جدید تمدن اروپایی در ایران انجام داده است. ایشان با توجه به موقعیت بلندپایه‌ی اجتماعی خود در حکومت قاجار توانست نقش مهمی در تحولات علمی و فرهنگی عصر ناصرالدین شاه ایفا کند. اعتضادالسلطنه «فرزند چهل و هفتم فتحعلیشاه قاجار بود و مادرش گل پیرهن خانم معروف به گرجی نام داشت» (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲/ ۱۶).

مقاله پژوهشی

وی از همان دوره کودکی و نوجوانی علاقه و اشتیاق فراوانی نسبت به علم آموزی داشت. فتحعلیشاه هم با دیدن آن همه علاقه و شوق این شاهزاده به علم و دانش میرزا نظرعلی حکیم‌باشی را مسئول تربیت وی کرد به طوری که «شاهزاده به مدت هفت سال تحت تعلیم و آموزش حکیم‌باشی قرار گرفته بود» (اعضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲/ ۲۲۹). در فاصله زمانی بین مرگ محمدشاه و رسیدن ناصرالدین میرزا به سلطنت، که مهدعلیا ملکه مادر زمام امور را به دست گرفته بود، اعتضادالسلطنه به پیشکاری و ندیمی مهدعلیا برگزیده شد و «این باعث ایجاد روابطی بسیار دوستانه و ناگسستنی بین آن دو گردید به طوری که ایشان طرف مشورت ملکه مادر در همه امور واقع می‌شد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲/ ۹۵۸-۹۵۹).

اعتضادالسلطنه در این دوره با توجه به لطف و توجه مهدعلیا به وی، فرصت مشارکت و مداخله در امور لشکری و کشوری را یافت به طوری که «مهدعلیا ... از طریق علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه برای انجام امور دولتی احکام صادر می‌کرد و به رتق و فتق امور می‌پرداخت» (خورموجی، ۱۳۶۳: ۲/ ۳۶). در ابتدای دوره ناصری مهدعلیا تلاش داشت تا با کمک دار و دسته اش، میرزا آقاخان نوری را به صدارت بنشانند؛ ولی موفق نشد و با رسیدن امیرکبیر به صدارت، اعتضادالسلطنه که همدست مهدعلیا محسوب می‌شد، مورد بدگمانی صدراعظم جدید و ناصرالدین شاه قرار گرفته بود. بدین ترتیب در دوران صدارت ۳ ساله امیر، اگر چه او بدون مزاحمت خاصی زندگی کرد؛ ولی منصب و مسئولیتی به وی واگذار نشد.

علیقلی میرزا در این دوره به دلیل برکناری از مقام و منصب دولتی، فرصت یافت تا به کسب دانش و علوم جدید به ویژه مباحث مورد علاقه‌اش یعنی عصر روشنگری اروپا بپردازد. او توانست در همین دوران «کتابخانه ارزنده و بزرگی نیز برای خود گرد آورد. بدین ترتیب هنوز دوران جوانی را طی نکرده بود که در سلک اهل دانش درآمد و شروع به تالیف کرد» (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۲/ ۱۹). پس از عزل و قتل امیرکبیر و صدارت میرزا آقاخان نوری، علیقلی میرزا مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفت و به القاب و مناصب مهمی دست یافت «او در سال ۱۲۷۲ ق. به اعتضادالسلطنه ملقب شد... سپس در جمادی الاولی سال ۱۲۷۴ ق. از طرف شاه به ریاست مدرسه دارالفنون انتخاب شد... و در سال ۱۲۷۵ ش. چون هیئت وزیران در ایران به وجود آمد، اعتضادالسلطنه با حفظ ریاست مدرسه دارالفنون به سمت وزیر علوم انتخاب شد» (آل داوود، ۱۳۷۹: ۹/ ۳۵۱). از این زمان به بعد زندگی اعتضادالسلطنه در مسئولیتهای مختلف علمی و فرهنگی گذشت و وزارت علوم و تقریباً تمام دوایر علمی و فرهنگی کشور در تصدی و سرپرستی او بودند.

اعتضادالسلطنه سرانجام «در شب عاشورا سال ۱۲۹۸ ق. در تهران در گذشت و در حضرت عبدالعظیم شهر ری به خاک سپرده شد» (بامداد، ۱۳۷۱: ۲/ ۴۴۷). در مورد شخصیت و کارنامه اعتضادالسلطنه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. محمدحسن

مقاله پژوهشی

خان اعتمادالسلطنه در کتاب المآثر و الآثار مقام علمی علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه را ستود و در وصف وی گفت «از رجال و اعیان احدی به اندازه اعتضادالسلطنه در ترویج علم، دانش و هنر تلاش نکرد. ناصرالدینشاه مکرر می گفت که ثلث مردم ایران را علیقلی میرزا تربیت کرده است» (اعتمادالسلطنه، بی تا: ۱۹۳). قاضی احمد بن محمد غفاری کاشانی در کتاب تاریخ نگارستان او را مورد ستایش قرار داد و درباره وی چنین نوشته است «اعتضادالسلطنه خداوند محاسن اخلاق و مکارم اوصاف و در فضل و دانش به روزگار خود تک بود» (غفاری کاشانی، ۱۳۶۲: ۴۹۲).

با این وجود اعتضادالسلطنه از نگاه منتقدانش انسان مهم و تاثیرگذاری نبوده است. مجدالملک سینکی یکی از این منتقدان بود که دیدگاهها و عملکرد وی را مورد تمسخر و اسباب خنده می دانست و با کنایه به وی گفته بود «...با متجاهری مخمور مامور شود که مفاخرت او از وزارت علوم و تالیف و تصنیف به همان تصنیف معروف است که سلطان و گدا را به رقص می آورد و سامع و قائل را به وجد...» (مجدالملک سینکی، ۱۳۹۱: ۸۹-۸۸). با همه این نظرات و دیدگاههای مختلف باید گفت، بررسی زندگی و کارنامه اعتضادالسلطنه نشان می دهد که وی یکی از شخصیت های مهم و برجسته علمی خاندان قاجار بود که توانست با استفاده از موقعیت اجتماعی خود در تحولات علمی و فرهنگی ایران عصر ناصری نقش بسزایی ایفا کند. در زیر کارنامه علمی و آموزشی وی را در منصب نخستین وزیر علوم ایران عصر قاجار مورد بررسی قرار می گیرید

۴. تاسیس وزارت علوم

یکی از مهم ترین ویژگی های عصر ناصرالدین شاه، ارتباط گسترده ی ایران با اروپا و آشنایی ایرانیان با دستاوردهای علوم جدید تمدن غرب بوده است. در این دوره برخی از زمامداران و نواندیشان ایرانی تلاش کردند، با تاسیس نهادهای جدید، علوم و دانش های نوین را از اروپا به ایران منتقل کنند و زمینه نوگرایی و توسعه ایران را فراهم کنند.

وزارت علوم یکی از مهم ترین نهادی بود که با فکر نوگرایان ایرانی و اراده و فرمان ناصرالدین شاه برای تحول و نوسازی در امور علمی و آموزشی کشور شکل گرفت. بررسی روند تاریخی شکل گیری وزارت علوم در دوره قاجار نشان می دهد که در سال ۱۲۷۵ ق. ناصرالدین شاه به فکر طراحی ساختار و تشکیلات جدیدی برای کشور افتاد. وی در این راستا تصمیم گرفت برای تقسیم کار و آسان کردن اداره کشور، امور دولتی را بین چندین وزارتخانه تقسیم و مقام صدارت را ملغی کند؛ بنابراین در سال ۱۲۷۵ ق. شش وزارتخانه برپا شد. چندی بعد دو وزارتخانه به نام های وزارت علوم و وزارت تجارت و صنایع به وزارتخانه های قبلی اضافه شد» (ظلل السلطان، ۱۳۶۲: ۷۹-۷۸). در واقع اصلاح طلبان ایرانی عصر ناصری، به درستی تشخیص داده بودند که زیربنایی توسعه و تحول جامعه ایران در آن دوره، منوط به اخذ و تاسیس نهادهای مدرن حوزه علم و دانش با سبک و شیوه

مقاله پژوهشی

آموزشی و علمی جدید می‌باشد. در همین راستا آنها سعی و اهتمام ویژه برای تشکیل وزارتخانه مخصوص حوزه علم و دانش با عنوان وزارت علوم انجام داده‌اند و توانستند در این امر مهم موفق شوند. با تاسیس وزارت علوم در سال ۱۲۷۵ق،، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه که در میان هم عصران خود چهره علمی و ادبی شاخصی محسوب می‌شد، به سمت وزارت علوم انتخاب شد.

ایشان در تشکیلات دولتی جدید ناصرالدین‌شاه «علاوه بر وزارت علوم، مناصبی چون ریاست دارالفنون، سرپرستی امور تلگرافخانه، وزارتخانه صنایع، تجارت و معادن، متصدی روزنامه‌های دولتی، سرپرستی چاپخانه‌ها و کارخانجات مملکتی و حکومت ملایر و توپسرکان را برعهده داشت» (احتشام السلطنه، ۱۳۶۶: ۳۷). باید گفت انتخاب اعتضادالسلطنه به عنوان اولین وزیر علوم از طرف ناصرالدین‌شاه، به این دلیل بود که وی از نظر علمی در میان هم‌عصران خود ممتاز و یگانه محسوب می‌شد؛ چنانکه شخصیت پژوهنده، علمی، اهل مطالعه و تحقیق او در آن دوره مورد ستایش اکثر نخبگان و مجامع علمی کشور قرار گرفته بود.

۵. تحلیل یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر درصدد است تا عملکرد و کارنامه علمی و فرهنگی اعتضادالسلطنه را در بخش‌هایی همچون اعزام دانشجو به اروپا، ایجاد نهادها، صنایع و هنرهای مربوط به امور علمی و آموزشی، اصلاح نظام آموزشی و ترویج شیوه‌ها و روش علمی و آموزشی جدید، ایجاد و تاسیس رشته‌های جدید علمی در برنامه درسی و آموزشی کشور، تالیفات ارزشمند مختلف، ترجمه و چاپ کتاب‌های علمی و انتشار روزنامه، مورد بررسی قرار دهد.

۱-۵. اعزام دانشجو به خارج

نخستین و فوری‌ترین اقدام سیاستمداران نوگرایی ایرانی در دوره قاجار برای اخذ علوم و فنون جدید اروپایی جهت نوسازی و مدرنیزاسیون کردن کشور، اعزام دانشجو به خارج بوده است. این کار که از دوره عباس میرزا شروع شده بود، در دوره ناصرالدین شاه نیز ادامه یافت. اعتضادالسلطنه در مقام وزیر علوم و ریاست مدرسه دارالفنون در عصر ناصری نیز یکی از راههای توسعه و ترقی علمی کشور را اعزام دانشجو به اروپا تشخیص داده بود.

در همین راستا وی در سال ۱۲۷۵ق. عده ای از شاگردان تحصیل کرده دارالفنون را برای تکمیل علوم و فنون جدید به اروپا فرستاد. بدین گونه که در این زمان ناصرالدین‌شاه، حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) را به سفارت مخصوص به دربار فرانسه و انگلیس فرستاد، اعتضادالسلطنه نیز «۴۲ نفر از محصلان را به ریاست عبدالرسول‌خان، نواده حاج محمدحسین خان

مقاله پژوهشی

نظام الدوله صدر اصفهانی با حسنعلی خان گروسی روانه پاریس نمود و قرار شد که سرپرستی و اداره امور و نظارت در کار تحصیل آنها با شخص حسنعلی خان وزیر مختار باشد» (خورموجی، ۱۳۶۳: ۲/ ۲۴۷).

این دانشجویان که تا آن زمان دسته چهارم اعزام دانشجو در دوره قاجار به اروپا محسوب می شدند؛ جز فارغ التحصیلان ممتاز دارالفنون بودند که در رشته های مختلف زیر نظر استادان خارجی آن مدرسه تحصیل کرده بودند. رشته های تحصیلی این دانشجویان و تعداد اعزامی هر رشته از این قرار بود که «در ریاضی هفت نفر، در طب شش نفر، فنون نظامی پنج نفر، چدن ریزی و ذوب آهن سه نفر، علوم طبیعی دو نفر، نقاشی دو نفر، زرگری دو نفر، چینی سازی دو نفر و سایر رشته ها سیزده نفر اعزام شد» (وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۷ق، شماره ۴۶۹). آنها به محض رسیدن به پاریس پس از آموختن زبان فرانسه در مدارس و کارخانه های پاریس و سایر شهرهای فرانسه در رشته های ذکر شده به تحصیل پرداخته اند. دوره تحصیل آنها «برحسب رشته های مختلف از ۵ تا ۸ سال طول کشید» (وقایع اتفاقیه، سال ۱۲۷۷ق، شماره ۴۶۹). حسنعلی خان گروسی که سرپرستی این دانشجویان را بر عهده داشت، بعد از فارغ التحصیلی دانشجویان آنها را «به دربار ناصرالدین شاه فرستاده و کتابچه ای در تعریف، توصیف و تشخیص درجات ترقی آنها معروض داشته است» (روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۶۰۶).

اعضادالسلطنه وزیر علوم پس از بازگشت این دانشجویان، آنها را از نظر وضعیت علمی و تخصصی مورد بررسی قرار داد و متناسب با رشته تحصیلی به کار گماشت. بدین شکل که تعدادی در وزارت خانه های علوم، معارف، طرق و شوارع، فواید عامه و عده ای در ارتش به درجات سرهنگی و سرتیپی رسیدند. عده ای در دارالفنون به تدریس پرداخته، بعضی ها مترجم دربار و ریاست تلگراف خانه شدند و عده ای که در طب تحصیل کرده اند به غیر از مطب خود به سمت طبیب درباری هم تعیین شدند» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱/ ۹۶). از پیامدهای فرستادن این محصلان به فرانسه توسط اعتضادالسلطنه این بود، که این دانشجویان هر کدام با توشه ای از دانشها و تجربیات ارزشمند به ایران بازگشتند و توانستند در بخش هایی که کشور به تخصص آنها نیاز داشت و دیگر امور غیرتخصصی خدمت کنند. دستاورد دیگر اعزام دانشجویان به خارج این بود که آنها همانند دوره های گذشته در آشنا کردن ایرانیان با تمدن غرب و اشاعه اندیشه های جدید و همچنین در پی ریزی ساختار جدید کشور در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، سیاسی و نظامی چه در عصر ناصری و چه در دوران پسا ناصری در قالب انقلاب مشروطه نقش بسیار مهمی ایفا کرده اند. به عبارت دیگر باید گفت ثمرات و دستاوردهای انتقال علوم و فنون به ایران توسط این دانشجویان که سبب تحول و پیشرفت اوضاع علمی کشور شد، به طور غیرمستقیم نتیجه اقدامات علمی و فرهنگی افرادی همچون اعتضادالسلطنه بوده است.

جدول (۱-۲) رشته‌های اعزامی دانشجویان به خارج، محل و مدت دوره تحصیل آنها

رشته اعزامی	تعداد	محل تحصیل	مدت تحصیل
ریاضی	۷	فرانسه	۵-۸ سال
طب	۶	فرانسه	۵-۸ سال
فنون نظامی	۵	فرانسه	۵-۸ سال
ذوب آهن	۳	فرانسه	۵-۸ سال
علوم طبیعی	۲	فرانسه	۵-۸ سال
نقاشی	۲	فرانسه	۵-۸ سال
زرگری	۲	فرانسه	۵-۸ سال
چینی سازی	۲	فرانسه	۵-۸ سال
سایر رشته ها	۱۳	فرانسه	۵-۸ سال

(روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۷، شماره ۴۶۹).

۲-۵. تاسیس و راه اندازی نهادها، تجهیزات و هنرهای مربوط به امور علمی و آموزشی

در راستای تحول و ترقی وضعیت علمی و آموزشی کشور در عصر ناصرالدین شاه، اعتضادالسلطنه در منصب اولین وزیر علوم و رئیس دارالفنون یکی از نیازهای زیربنایی این امر مهم را راه‌اندازی و گسترش نهادها، صنایع، تجهیزات و هنرهای مربوط به امور علمی و آموزشی کشور تشخیص داده بود. او در این راستا با الگوگیری از کشورهای اروپایی نهادها، هنرها و صنایع جدید زیادی را در ایران پایه‌گذاری کرد. تاسیس کتابخانه سلطنتی در تهران یکی از این نهادها بود که با همت و تلاش اعتضادالسلطنه «در سال ۱۲۸۰ ق. تاسیس شد» (ساکما، شماره سند ۱۰۱۹۰ / ۲۴۰: ۶). او همچنین در جهت گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در جامعه، با اهدا کتابهای شخصی خود به کتابخانه‌ی مدرسه دارالفنون به گسترش و تقویت این امر مهم کمک شایانی کرده

مقاله پژوهشی

بود. اعتضادالسلطنه برای سرعت بخشیدن به رشد و توان علمی کشور «در سال ۱۲۸۰ ق. یک شعبه از دارالترجمه را در دربار تاسیس کرد... همچنین در سال ۱۲۹۳ ق. اولین تئاتر ایران و موزه سلطنتی نیز به همت او تاسیس گردید» (ساکما، شماره سند ۱۰۱۹۰ / ۲۴۰: ۶).

اداره انطباعات نهاد دیگری بود که به همت وزیر علوم برای نظارت بر تدوین و انتشار کتاب و مطبوعات در سال ۱۲۷۷ ق. تاسیس شد. تاسیس عکاسخانه در دارالفنون دیگر صنعت علمی بود که توسط اعتضادالسلطنه پایه گذاری گردید. روزنامه ایران در گزارش خود در مورد بازدید ناصرالدین شاه از عکاسخانه تاسیس شده توسط اعتضادالسلطنه در دارالفنون نوشت «شاه ابتدا به دواسازخانه رفت... و سپس به عکاسخانه رفتند و از معلمین و متعلمین دیدن نمود» (روزنامه ایران، ۱۲۹۳ ق، شماره ۳۰۶). از دیگر صنعت‌هایی که اعتضادالسلطنه آن را در دارالفنون پایه‌گذاری کرد تلگراف خانه بود. روزنامه وقایع اتفاقیه در این باره نوشت «شاه به شاهزاده علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه دستور داده تا توسط موسیو کرشیش نمساوی معلم کل توپخانه شاهی، راه سیم موسوم به تلگراف ایجاد شود. این کار به طور آزمایشی در مدرسه دارالفنون با موفقیت خاتمه یافت» (وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۴ ق، شماره ۳۷۲).

همچنین باید گفت رواج علوم تجربی همچون فیزیک، شیمی و علوم فنی در دارالفنون سبب شد تا اعتضادالسلطنه برای کارآیی و بهره‌وری مطلوب‌تر آموزشهای عملی این دروس، آزمایشگاه تاسیس کنند، در همین راستا روزنامه وقایع اتفاقیه گزارش داده است «عالیجاه در سال ۱۲۷۲ ق. موسیو فوکتی^۲ متعلم حکمت طبیعی که به سفارت کبری فرنگستان رفته بود و حال مراجعت کرده است. آلات و ادوات متعلق به علوم فرنگ و شیمی که ساختن آنها در دارالخلافه خالی از تغییر نبود و در فرنگستان کارگزاران دولت ابد مدت اتباع نموده بدارالخلافه آورده اند.» (وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۵ ق، شماره ۴۱۱).

اعتضادالسلطنه همچنین برای امور نقاشی کارگاه راه‌اندازی کرد به طوری که «کارگاه آقامیرزا اسماعیل جلایر در دارالفنون وجود داشت که هم پرده می‌دوخت و هم به شاگردان نقاشی تعلیم می‌داد» (معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۲۸۱). بررسی اقدامات اعتضادالسلطنه در زمینه تاسیس نهادهای، تجهیزات و هنرهای مربوط به امور علمی و آموزشی در آن شرایط عقب‌مانده از قافله علم و دانش ایران عصر ناصری، نشان از تحول و رویکرد جدید علمی وی برای گذر از علوم و دانشهای سنتی به علوم

^۲- monsieur kershish namsai^۳- monsieur focetti

مقاله پژوهشی

جدید می‌دهد؛ چرا که وی بخوبی از چگونگی کارکرد علوم جدید و امکانات و تجهیزات مخصوص مورد نیاز آنها باخبر بوده و تلاش داشت تا علوم جدید را با تمام لوازم و امکانات برای بازدهی و بهره‌وری بیشتر در کشور گسترش دهد.

جدول (۲-۲) تأسیس و راه‌اندازی نهادهای، صنایع، تجهیزات و هنرهای مربوط به حوزه علمی و آموزشی در دوران مسئولیت اعضاد السلطنه بر وزارت علوم و مدرسه دارالفنون

نام نهاد	کاربرد	سال تأسیس
کتابخانه سلطنتی	علمی فرهنگی	۱۲۸۰ ق.
موزه سلطنتی	فرهنگی - علمی	۱۲۹۳ ق.
مدرسه دارالفنون شعبه تبریز	علمی - نظامی	۱۲۹۴ ق.
مدرسه دارالفنون شعبه اصفهان	علمی - نظامی	۱۲۹۸ ق.
چاپخانه	علمی - نظامی	۱۲۶۸ ق.
کارگاه عکاسی	علمی - آموزشی	۱۲۷۷ ق.
آزمایشگاه	علمی و فرهنگی	۱۲۷۲ ق.

(روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۵۲۹؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، ج ۱/ ۲۶۹).

۳-۵. اصلاح نظام آموزشی و ترویج شیوه‌ها و روش علمی و آموزشی جدید در ایران

با انتصاب اعضاد السلطنه به سمت ریاست دارالفنون و وزارت علوم، وی برای تحول و ترقی در اوضاع علمی و آموزشی کشور درصدد برآمد، تا با ایجاد نظام آموزشی اقتباس شده از اروپا و ترویج شیوه‌های آموزشی و علمی جدید، نظام آموزش سنتی را در ایران متحول کند؛ چرا که نظام آموزش سنتی ایران دارای مشکلات و کاستی‌هایی بوده که مانع روند علمی و صحیح آموزش می‌شد. وی در اولین قدم تلاش کرد تا با اصلاح برنامه‌ی آموزشی، واحدهای درسی را با دو برنامه عمومی و تخصصی از همدیگر تفکیک کند، بدین گونه که «متناسب با رشته تحصیلی، هر دانش آموز باید دو سه سال اول را صرف درسهای عمومی می‌کرد و آنگاه پنج یا شش سال بعدی را به آموزش رشته‌های تخصصی می‌گذراند. افزون بر آن دوره‌های زبان فارسی و عربی برای دانش آموزان تازه واردی که معلوم می‌شد پیشینه آموزشی اندکی دارند ارائه می‌گردید» (رینگر، ۱۳۸۱: ۱۰۱).

مقاله پژوهشی

دیگر اقدام اصلاحی اعتضادالسلطنه در مورد نظام آموزشی این بود که با تقلید از سبک آموزشی اروپا نظام امتحانات و مشخص کردن پیشرفت دانش‌آموزان از طریق امتحان گرفتن را جایگزین نظام گواهینامه یا همان اجازه در نظام آموزش سنتی ایران کرد. وی با این کار «سطوح مختلف پیشرفت تحصیلی را سامان‌مند و ساده کرد، و ارزشیابی فرد دانش‌آموزان را بر اساس پیشرفت و شایستگی تحصیلی آسان ساخت» (رینگر، ۱۳۸۱: ۱۰۱). این اقدام اعتضادالسلطنه که خود یک نمونه‌ی تحول نظام آموزش سنتی به نوین بوده، نتایج بهتری برای دانش‌آموزان داشت و در مشخص شدن استعداد و پیشرفت آنها نقش زیادی داشته است.

رواج و اشاعه آموزش‌های عملی در کنار آموزش نظری دیگر اقدام اصلاحی وی در نظام آموزشی بوده است. از نظر اعتضادالسلطنه آموختن علوم تنها به شیوه نظری چندان فایده‌مند نبود و به سرعت از یاد می‌رفت، به همین دلیل از نظر وی جامعه‌ای که قرار بود در عصر مدرن قدم در راه اخذ علوم و فنون جدید بگذارد، باید رواج و فراگیری آموزش عملی و کاربردی علوم جدید را در اولویت قرار دهد. بر همین اساس او همواره به معلمان توصیه می‌کرد «تا درسها و آموزشهای خود را تا جایی که امکان داشت، با آزمایش و عمل توأم نمایند» (یغمایی، ۱۳۷۵: ۱۹). در نتیجه اهتمام اعتضادالسلطنه به آموزش‌های عملی و کاربردی، دانشجویان دارالفنون فعالیتهای عملی زیادی را انجام داده‌اند. روزنامه وقایع اتفاقیه در مورد فعالیت های آنها گزارش داده است «شاگردان علم هندسه که به تشخیص ارتفاع قصر سلطانی نیاوران و کوه دماوند و غیره از سطح دارالخلافه مامور شده بودند. حسب الحکم سرکار نواب اشرف والا اعتضادالسلطنه این فدویان محمدصادق خان قاجار سرهنگ توپخانه و مصطفی قلیخان یاور توپخانه و میرزا فتح الله پسر مقرب الخاقان نصیرالملک و عسکرخان... به جهت تعیین ارتفاع قله کوه دماوند موافق طوری که در نزد عالیجاه موسیو کریتس سرتیپ توپخانه مبارکه آموخته بودند روز شنبه هیجدهم محرم از طهران عازم نیاوران شده» (روزنامه وقایع اتفاقیه، سال ۱۲۷۵ق. شماره ۳۹۹). اعتضادالسلطنه در راستای حساسیت و توجه ویژه به آموزش عملی علم طب در کشور، به عموم شاگردان این رشته تاکید کرده بود «تا آنها را حکیم طولوزن در علم فرنگی و میرزا احمد حکیم باشی کاشانی در علم ایرانی امتحان نمایند به معالجه مردم اقدام نکنند» (روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۵۵۰).

همچنین در زمینه توجه به آموزشهای عملی و گذر از دروس تئوری با کوشش اعتضادالسلطنه در دارالفنون «شاگردان در درس جغرافیا، نقشه لازم را برای تدریس درس روی تخت سیاه می‌کشیدند، در ساختن راهها با مهندس کاستگر اتریشی که در خدمت دولت بود همکاری می‌کردند و با پزشکان اروپایی معلم خود در درمان بیماران شرکت می‌کردند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲/ ۲۸۲؛ روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۵۰۲). بدین ترتیب باید گفت که اعتضادالسلطنه با درک و آگاهی عمیق از کارکرد و چگونگی نظامهای نوین آموزشی جدید اروپا و معایب و مشکلات نظام آموزش سنتی ایران، با

مقاله پژوهشی

اقدامات مذکور اولین قدم‌ها را در جهت آسیب شناسی نظام سنتی ایران و بنیاد نهادن نظام نوین آموزشی و علمی در کشور برداشت. همچنین باید گفت این اقدامات نخستین وزیر علوم در زمانی که کشور امکانات کافی نداشت و درگیر شرایط سیاسی و اقتصادی نامناسب بوده است؛ خود گواهی بر عملکرد علمی و دانشورانه او برای تحول و پیشرفت آموزش و امور علمی کشور می‌باشد.

جدول (۱-۳) اقدامات اصلاحی اعتضادالسلطنه در نظام و شیوه آموزشی

نام مولفه	نمودها آن
ترویج آموزش عملی	تاسیس آزمایشگاه، کارگاه، عکاسی، نقشه برداری اندازه گیری، سرشماری، جراحی
برقراری تعطیلی مدارس	روز جمعه، روز عاشورا، ایام ماه رمضان، چهل روز تعطیلی بخاطر گرما
حذف نظام ارزشیابی سنتی	حذف نظام اجازه یا گواهی نامه، برگزاری امتحانات برای تعیین میزان پیشرفت دانش آموزان

(رینگر، ۱۳۸۱: ۱۰۱؛ روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره‌های ۶۴۷ و ۶۰۳، وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۵، شماره ۴۱۱).

۴-۵. ایجاد و تاسیس رشته‌های جدید علمی در برنامه درسی و آموزشی کشور

ایجاد و تاسیس رشته‌های جدید علمی مطابق با آخرین رده بندی علوم آن روز، به تقلید از نظام آموزشی اروپا در مراکز علمی ایران اقدام دیگر اعتضادالسلطنه وزیر علوم بوده است. او با آشنایی که با نظام‌های آموزشی اروپا بدست آورده بود متوجه شد، که جای بسیاری از علوم جدید و کارکردهای سازنده آنها در مراکز علمی ایران خالی است. بنابراین بسیاری از علوم که به روش ممالک اروپا در ایران متداول نبوده با اهتمام اعتضادالسلطنه در ایران شایع شده است.

مهم‌ترین علومی که در این دوره با ابتکار و تلاش اعتضادالسلطنه در دارالفنون راه اندازی و یا گسترش پیدا کردند شامل «درس هندسه، حساب، جراحی، طب، شیمی، فیزیک، جغرافیا، نقاشی، مشق توپخانه، پیاده نظام، موسیقی، زبانهای فارسی، عربی، فرانسه، انگلیسی، روسی و... بوده است» (روزنامه وقایع اتفاقیه، سال ۱۲۷۶ق، شماره ۴۵۶؛ روزنامه ایران ۱۲۹۴، شماره ۳۱۸). از دیگر علوم باید به علم موزیکال اشاره کرد که با تلاش اعتضادالسلطنه در دارالفنون تاسیس شد. روزنامه ایران در این زمینه نوشته بود «به دستور شاه در جنب مدرسه دارالفنون حیاطی مخصوص و ممتاز جهت تمرین موزیک ساخته شده که در

مقاله پژوهشی

آن شاگردان موسیقی‌دان تربیت شوند» (روزنامه ایران، سال ۱۲۹۵ق، شماره ۳۷۰). نقاشی رشته دیگری بود که تا قبل از ریاست اعتضادالسلطنه بر دارالفنون به صورت تخصصی و مستقل وجود نداشت؛ ولی با انتخاب اعتضادالسلطنه بر دارالفنون نقاشی به عنوان یکی از دروس اصلی و ضروری مدرسه به سایر دروس اضافه شد. روزنامه وقایع اتفاقیه در مورد شروع کلاس نقاشی و استخدام مسیو کنستان^۴ به عنوان معلم نقاشی گزارش داده است «چندی قبل یکی از اطاقهای مدرسه به جهت موسیو کنستان معلم نقاشی مشخص و معین گردید، وی آمده تا شاگردان مخصوص، مشغول مشق نقاشی شوند...» (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲۸۰ق، شماره ۴۶۰).

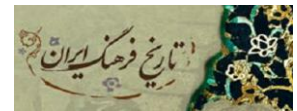
می‌توان گفت که اعتضادالسلطنه به عنوان رئیس دارالفنون و وزیر علوم با آگاهی از کارکرد مهم و مترقی علوم طبیعی، فنی و انسانی مدرن و کارآیی و نقش اساسی این علوم در پی‌ریزی بنیادهای نوسازی و نوگرایی جوامع، به تاسیس و ایجاد رشته‌های جدید علمی در شاخه‌های مختلف در دارالفنون اقدام کرد تا بتواند بخش بزرگی از نیازها و مشکلات جامعه ایران را به واسطه ثمرات این علوم برطرف کند. همچنین باید گفت بدون تردید علمی را که اولین بار اعتضادالسلطنه در دارالفنون و دیگر مراکز علمی دایر کرد در دوره‌های بعدی ثمرات و دستاوردهای زیادی را برای جامعه ایران در بخش‌های مختلف به ارمغان آورد.

جدول (۴-۱) نام رشته‌های علمی جدید دارالفنون در دوران تصدی اعتضادالسلطنه بر وزارت علوم

نام رشته جدید	نام رشته جدید
فیزیک	پزشکی-جراحی
نقاشی	هندسه-حساب
علوم نظامی	موسیقی-موزیکال
جغرافیا	شیمی

(روزنامه ایران ۱۲۹۴، شماره ۳۱۸)

^۴ monsieur constant



۵-۵. تالیفات اعتضادالسلطنه

یکی دیگر از اقدامات مهمی که گویا تلاش علمی و فرهنگی اعتضادالسلطنه است، تالیفات و ترجمه‌های گوناگون وی در حوزه‌های مختلف علوم جدید می‌باشد. تالیفات و ترجمه‌های او موضوعات مختلف علمی را در بر می‌گیرد. یکی از بخش‌های مهم تالیفات او حوزه تاریخنگاری است. کتاب اکسیرالتواریخ یکی از آثار تاریخنگاری وی درباره تاریخ ایران است که آن را براساس منابع و شیوه‌های سنتی تاریخنگاری تالیف کرد. وی در این کتاب «تاریخ ایران را از زمان کیومرث تا پایان سال ۱۲۵۷ ق. نگاشت و خلاصه از وقایع سال ۱۲۵۸ ق. را به آن الحاق کرد. این کتاب دو بخش دارد بخش اول از کیومرث پادشاه افسانه ای ایران شروع می‌شود تا پایان دولت زندیه. بخش دوم که در واقع بخش اصلی کتاب است از اصل و نسب قاجار شروع می‌شود و تشکیل دولت قاجار و تاریخ سیاسی این سلسله همراه با شرح حال علما و شعرا و بزرگان تا زمان مولف را در بر می‌گیرد» (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲/ ۲۵-۲۶).

کتاب دیگر وی در حوزه تاریخی، کتاب تاریخ وقایع و سوانح افغانستان می‌باشد موضوع اصلی آن درباره تاریخ افغانستان و وقایع هرات است که مشتمل بر جغرافیای افغانستان، پیشینه و نژاد افغانها و طوایف آنجاست. کتاب‌المتنبیین که در سال ۱۲۹۵ ق. تالیف نموده است نیز در آن «به تاریخ مدعیان نبوت و پیامبری، از بودا تا میرزا علی محمد باب به طور مختصر پرداخته و رویداد ظهور باب و شورش‌های بابیان را مورد بررسی قرار داد» (منزوی، ۱۳۸۲: ۳/ ۱۷۵۲). کتاب شرح حال امامزادگان ری اثری بود که وی به دستور ناصرالدین شاه درباره سرگذشت حضرت عبدالعظیم و حمزه و عبدالله ابیض مشهور به امامزاده عبدالله و دیگر ساداتی که در شهر ری به خاک سپرده شده‌اند به نگارش در آورد. همکاری در نگارش کتاب نامه‌دانشوران به خصوص جلد اول این کتاب اثر دیگر این شاهزاده قاجار است. نامه دانشوران اثری بود که به دستور ناصرالدین شاه و با مسئولیت اعتضاد السلطنه در مورد «احوال علمای بزرگ، محدثین والامقام، مجتهدین و عرفا، اطبا و منجمان ممالک محروسه در هر عصر و هر جایی به رشته تحریر در آمده بود» (ذبیحی، ۱۳۸۶: ۸۳).

یک حوزه مهمی از تالیفات اعتضادالسلطنه موضوعات مختلف جغرافیای-تاریخی است. کتاب جغرافیای محال مازنداران از این دسته آثار می‌باشد او هنگامی که «با ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۵ ق. به کلاردشت مازندران رفته، این رساله را به دستور ناصر الدین شاه نگاشته است و اوضاع شهرهای کلارستاق و دیگر بخشها را گزارش کرده است. او همچنین کتابی با عنوان تاریخ مراغه و رصدخانه آن به نگارش در آورده است. این کتاب گزارش دیدنی‌های او از رصدخانه‌ی مراغه در سال ۱۲۷۶ ق.

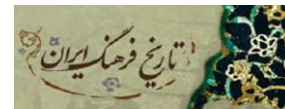
مقاله پژوهشی

به همراه ناصرالدین شاه می‌باشد». (آل داوود، ۱۳۷۹: ۹/۳۵۳). سفرنامه لاریجان دیگر اثر تاریخی - جغرافیایی اعتضادالسلطنه بود که در سال ۱۲۹۷ق. نگارش شد و حاوی اطلاعات تاریخی می‌باشد. این سفرنامه شامل موضوعاتی همانند شرح آثار تاریخی مانند امام زاده‌ها، مساجد و قبور تا گزارشی از غارها و رسوم محلی و آب‌های معدنی می‌باشد. نکته مهم در مورد تالیفات اعتضادالسلطنه به ویژه در حوزه تاریخنگاری تحول شیوه تاریخنگاری و سبک نگارش وی می‌باشد. آنچه مشخص است، او در ابتدای کار همان روش سنتی و نثر مصنوع و متکلف موجود در تاریخ ایران را به کار می‌برد؛ ولی بعد از آشنایی با دستاوردهای علوم جدید شیوه تاریخنگاری مبتنی بر علوم جدید و نوین را همراه با سبک نوشتاری ساده‌تری را انتخاب کرده بود.

بخشی دیگر از کتابهای اعتضادالسلطنه در مورد دستاوردهای علوم جدید و رد علوم سنتی و کهنه است. وی کتاب فلک‌السعادة را در سال ۱۲۷۷ق. بر پایه تحقیقات نیوتن و با توجه به آراء دانشمندان مسلمان خاصه بیرونی و فارابی «در رد سخنان منجمان و کاهنان و معتقدان به ستاره شناسی و سعد و نحس کواکب در سه برج و یک دقیقه نوشته است» (منزوی، ۱۳۸۲: ۴/۳۰۰۲). به طور کلی باید گفت این حجم از تالیفات در ایران عصر ناصری با آن شرایط نامناسب و نبود امکانات علمی و آموزشی کشور، خود نشان‌دهنده دغدغه و اهتمام این شاهزاده نوگرای قاجاری به پیشرفت علمی و فرهنگی کشور بوده است. از سویی دیگر باید گفت هدف مهم اعتضادالسلطنه از تالیف و انتشار کتاب در جامعه این بود که وی یکی از مهم‌ترین راههای آگاه شدن جامعه از تحولات جهانی و پیشرفت‌های علمی جدید و همچنین فراهم شدن زمینه و بستر لازم برای توسعه و نوگرایی را فرهنگ کتابخوانی و انتشار آن در جامعه می‌پنداشت. به عبارت دیگر علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه با نگارش این کتابها تلاش کرد تا بذر افکار جدید را در جامعه ایران بکارد.

جدول (۵-۱) تالیفات مهم اعتضادالسلطنه

نام اثر	موضوع
اکسیرالتواریخ	تاریخی
المتنبین	تاریخی - دینی
تاریخ وقایع و سوانح افغانستان	تاریخی - جامعه شناسی
شرح حال امام زادگان	تاریخی - دینی



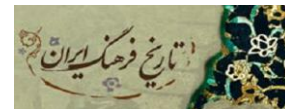
نام دانشوران	تاریخی - ادبی
جغرافیا محال مازندران	جغرافیا - تاریخی
تاریخ مراغه و رصدخانه مراغه	تاریخی-نجوم
سفرنامه لاریجان	تاریخی - جغرافیایی
فلک السعاده	نجوم
دیوان اشعار	ادبیات

تالیفات اعتضادالسلطنه

۶-۵. نهضت ترجمه، تالیف و چاپ کتاب

یکی از اساسی‌ترین راه‌های انتقال اندیشه‌ها، ارزشها و لوازم مدرنیته غربی از نگاه اعتضادالسلطنه و دیگر نوگرایان ایرانی عصر قاجار برای جبران عقب ماندگی‌های جامعه ایران، ترجمه آثار علمی و ارزشمند اروپایی به ایران و تالیف کتاب و رساله در مورد موضوعات مختلف علوم جدید، برای آگاهی‌بخشی مردم و رفع نیازهای علمی کشور بوده است. بر همین اساس در زمان طولانی مسئولیت ۲۲ ساله اعتضادالسلطنه بر وزارت علوم و مهم‌ترین مرکز علمی کشور یعنی مدرسه دارالفنون، نهضتی در ترجمه و چاپ کتاب پدید آمد و کتابهای بسیار زیادی در علوم مختلف تالیف، ترجمه و چاپ شدند.

در این دوران «در دربار اداره مخصوصی به نام دارالترجمه تاسیس شد و با آنکه چاپ سنگی با وسایل اندک و دشوار معمول بود، صدها کتاب ارزنده چاپ و منتشر گردید و نویسندگان، شاعران و دانشمندان توسط وزیر علوم یاری و ترغیب می‌شدند» (صفائی، ۱۳۴۸: ۲۶). اعتضادالسلطنه علاوه بر تالیفات گسترده که ذکر آنها آورده شد، در زمینه ترجمه آثار علمی اروپایی به زبان فارسی نیز فعال و پیش قدم بوده است. وی در انتشار نخستین ترجمه رساله مهم دکارت به نام «گفتار در روش به کار بردن عقل کوشش بسیار کرده است» (آل‌داوود، ۱۳۷۹: ۹/ ۳۵۴). اعتضادالسلطنه اطلاعات مربوط به نواحی شمالی ایران را از منابع متقدم قرون اولیه اسلامی همچون «معجم البلدان یاقوت حموی و مراصدالاطلاع ترجمه کرده و مطالب ارزنده‌ای بر آنها افزوده است» (منزوی، ۱۳۸۲: ۱/ ۲۰۵). ترجمه یک فصل از آثار الباقیه ابوریحان بیرونی کار دیگر



مقاله پژوهشی

اعضادالسلطنه در حوزه ترجمه بود» وی این کار را با یاری ملاعلی محمداصفهانی به فارسی درآورد و دیباچه بر آن نگاشت» (آل داوود، ۱۳۷۹: ۲/۹).

دیگر نوگرایانی ایران در قامت معلمان و اساتید مدرسه دارالفنون زیر نظر اعتضادالسلطنه به تالیفات و ترجمه‌های مختلف اقدام کرده‌اند؛ از جمله آنها میرزا عبدالغفار نجم‌الملک معلم کل علوم هندسه و ریاضی بود که کتابهایی با عنوان «رساله در علم حساب، علم حساب کامل، اصول هندسه، علم مثلثات، علم نقشه‌کشی، علم هیئت جدید، علم جغرافی، علم جبر و مقابله، علم جراثقال، علم تیوگرافی، رساله ابعاد بلاد، رساله در استخراج خط نصف‌النهار و انحراف و علم تسطیح را ترجمه و تألیف کرده است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/۱۵۶۵). همچنین میرزا کاظم معلم شیمی، کتابهایی با عنوان «شیمی مطلق، صنعتی و زراعتی، فیزیک، دواسازی و عکاسی و غیره ترجمه و تألیف کرده است. محمود آقا معلم علم پیاده نظام نیز کتابهایی با عنوان مشق سرباز و مخبران، مشق با طالبان، کتاب تیراندازی، کتاب تکالیف سفر جنگ، کتاب قراول، کتاب خدمات داخله، کتاب جغرافی را ترجمه و تألیف کرد. میرزا علی و میرزا رضا دکتر نیز چند کتاب در علم طب، ترجمه و تألیف کرده‌اند» (روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۶۱۰). ترجمه کتابهای «طبی شلمیر و پولاک کتابهای ریاضی کرزیر و بوهرلر» (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱/۳۰۸-۳۰۷).

از دیگر ترجمه‌های دوره مسئولیت اعتضادالسلطنه بر مدرسه دارالفنون بوده‌اند. اعتضادالسلطنه همچنین علاقه‌ی خاصی به شعر و ادب داشته و همین باعث شد تا مشوق و ترغیب کننده اهل ادب و شعر برای فعالیت‌های ادبی باشد؛ چنانکه «در سال ۱۲۷۳ ق. میرزا طاهر دیباچه نگار اصفهانی به دستور اعتضادالسلطنه کتاب گنج شایگان را تألیف کرد. وی این کتاب را به نام میرزا آقاخان نوری (صدراعظم) و اعتضادالسلطنه تألیف نموده و به دیباچه نگار لقب یافته است» (بامداد، ۱۳۷۱: ۲/۱۸۶).

کتاب دیگری که در این زمینه به دستور اعتضادالسلطنه طبع شده، کتاب دیوان یغمای جندقی است که «مشمول بر ۱۱ کتاب در موضوعات گوناگون است. این کتاب را حاجی اسماعیل ثقفی جمع‌آوری و تدوین نموده و پسرش میرزا عبدالباقی طبیب آن را به دستور اعتضادالسلطنه در سال ۱۲۸۳ ق. طبع کرده است» (راوندی، ۱۳۸۲: ۸/۱۷۹). در مورد نهضت تألیف، ترجمه و چاپ کتاب در زمان ریاست اعتضادالسلطنه بر وزارت علوم و مدرسه دارالفنون باید گفت از یک سو سبب شد تا آثاری زیادی از زبانهای انگلیسی، فرانسوی، روسی و غیره به فارسی ترجمه شود و نقش مهمی را در انتقال و بذر اندیشه‌های جدید در ایران ایفا کند، از سوی دیگر این حجم وسیع از تالیفات و ترجمه‌ها در دوران مسئولیت وی نشانگر عملکرد و کارنامه درخشان اعتضادالسلطنه در شرایط نامناسب حکومت قاجار برای رشد و ترقی علمی و آموزشی کشور می‌باشد.

۷-۵. انتشار روزنامه

یکی دیگر از اقدامات زیربنایی و مهم اعتضادالسلطنه برای تحول و توسعه علمی و فرهنگی ایران عصر ناصری، انتشار روزنامه‌های مهم دولتی در موضوعات مختلف برای رشد و آگاهی مردم بوده است. اعتضادالسلطنه به عنوان وزیر علوم به درستی تشخیص داده بود که روزنامه به عنوان تنها رسانه جمعی و مفید دوره قاجار، هم نقش مهمی در آگاهی‌بخشی، جامعه‌پذیری، بیداری و حرکت طبقات مختلف مردم برای تحول و توسعه جامعه سنتی ایران دارد و هم می‌تواند به عنوان بازو و کمک کار دولت در انجام وظایف و پیشبرد امر مهم توسعه نقش‌آفرینی کند. بنابراین وی با توجه به اینکه مسئولیت امور چاپخانه‌ها و روزنامه‌ها را بر عهده داشت، چندین روزنامه را مستقیم و غیر مستقیم انتشار داد.

مهم‌ترین این روزنامه‌ها عبارت بودند از «روزنامه دولت علیه ایران یا روزنامه دولتی، روزنامه ملت سنیه ایران یا همان روزنامه ملتی است» (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲/ ۲۵). روزنامه دولت علیه ایران یا روزنامه دولتی همان روزنامه وقایع اتفاقیه امیرکبیر بود که با انتصاب اعتضادالسلطنه به وزارت علوم به مدیریت میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک در سال ۱۲۷۷ ق. انتشار پیدا کرده بود. این روزنامه «از شماره ۴۷۲ به بعد به روزنامه دولت علیه ایران تغییر نام داد. تفاوت آن با وقایع اتفاقیه این بود که مصور بود و با فاصله بیشتری منتشر می‌شد. این روزنامه از شماره ۵۹۳ به بعد عنوان روزنامه دولتی نام گرفت و تا شماره ۶۶۸ انتشار و سپس تعطیل شده است. محتوای روزنامه بیشتر به اخبار شاه و دربار، دارالخلافه، ایالات، ولایات و ترجمه اخبار ممالک خارجه و گاهی اعلان اختصاص داشت» (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲/ ۳۰۶).

روزنامه ملت سنیه ایران یا روزنامه ملتی روزنامه‌ای بود که به صورت ماهانه توسط اعتضادالسلطنه به سه زبانهای فارسی، عربی و فرانسوی «از سال ۱۲۸۰ ق. تا ۱۲۸۷ ق. انتشار داده شد. سه شماره از این روزنامه به عنوان روزنامه ملت سنیه ایران و ۳۲ شماره دیگر آن بنام روزنامه ملتی منتشر شده است» (مشتاقی نائینی، ۱۳۶۶: ۲۲). فلسفه و رسالت اصلی این روزنامه انتشار اخبار مربوط به عامه مردم یا همان ملت بوده، به طوری که در دستوری که ناصرالدین شاه برای انتشار این روزنامه داده آمده است «روزنامه ملتی به روش آزاد نگارش یابد تا خاص و عام از فواید آن بهره یابند. انتخاب نام ملتی برای آن نیز به این دلیل بود که می‌خواستند در برابر روزنامه‌ای که کارش انتشار خبرهای رسمی بود روزنامه‌ای برپا کنند که در آن افراد عادی غیر وابسته به دربار و وزارت علوم نیز بتوانند نوشته‌های خود را به چاپ برسانند» (ناصرالدین، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۴۲). بیشتر مطالب روزنامه ملتی مربوط به «شعر و شعرا بوده ولی گاهی حاوی مطالب پزشکی نیز بوده است» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۲۸).

مقاله پژوهشی

روزنامه علمیه دولت علیه ایران، روزنامه دیگری بود که توسط اعتضادالسلطنه برای پرداختن به مسائل علمی گوناگون منتشر شده بود. این روزنامه نخستین نشریه علمی ایران است که به سه زبانه فارسی، عربی و فرانسوی انتشار یافته بود. در مورد روند آغازین تا پایان آن باید گفت «اولین شماره‌ی این روزنامه در شعبان ۱۲۸۰ ق. انتشار یافت. پس از شماره ۱۷ به مدت یک سال تعطیل شد. ولی بعد از آن دوباره شروع به انتشار کرد تا اینکه در جمادی الثانی ۱۲۸۵ ق. بار دیگر بعد از انتشار شماره ۴۲ تعطیل شد. در سال ۱۲۸۶ ق. دوباره بازگشایی شد و آخرین شماره از این روزنامه شماره پنجاه و سوم است که در شوال ۱۲۸۷ ق. منتشر گردیده بود و بعد از آن این روزنامه برای همیشه تعطیل شد» (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۴/ ۴۸). بدین ترتیب باید گفت از آنجایی که بعد از آشنایی ایران با تمدن غرب در قرن نوزدهم، مطبوعات با انتقال اطلاعات و آگاهی‌های جدید و مبادله افکار و عقاید، نقش مهمی را در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن جوامع و هدایت افکار عمومی به عهده گرفتند، اعتضادالسلطنه در کسوت نخستین وزیر علوم نیز روزنامه را به عنوان ابزاری که وظیفه نشر اخبار، افکار و اندیشه‌های جدید را برعهده دارد به کار گرفت تا با آگاهی دادن به مردم حس پیشرفت و تجددخواهی را در بین عموم جامعه برانگیزد و اذهان را برای پذیرش نوگرایی ایران آماده کند.

به طور کلی باید گفت با وجود همه ی اینها تلاشها و کوشش‌های مطبوعاتی که اعتضادالسلطنه انجام داد، از آنجایی که این روزنامه‌ها دولتی بودند و اعتضادالسلطنه خود از کارگزاران دولت بود نمی توانست یا هم شاید نمی خواست به مسائل و موضوعات جامعه ایران که با سیستم استبدادی حکومت در تضاد بوده بپردازد و بیشتر اخبار و موضوعات داخلی و خارجی که خطری برای دربار و سلطنت قاجار نداشتند را منعکس می کردند. به عبارت دیگر این روزنامه‌ها به دلیل حاکمیت استبدادی دولت قاجار نتوانستند پایه گذار یک نظام مطبوعاتی پیشرو، زنده و کارآمدی در جامعه ایران عصر ناصرالدین شاه باشند.

جدول (۶-۱) روزنامه‌های منتشرشده توسط اعتضادالسلطنه

نام روزنامه	سال انتشار	موضوع	تعداد شماره
روزنامه دولت علیه ایران یا دولتی	۱۲۷۸ ق.	اخبار شاه، دربار و ایالات	۶۶۸
روزنامه علمیه	۱۲۸۰ ق.	موضوعات مختلف علمی	۵۳

روزنامه ملت سینه ایران یا ملتی	۱۲۸۰ ق.	شعر و شاعری و پزشکی و...	۵۳
-----------------------------------	---------	--------------------------	----

(ناصرالدین، پروین ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۱۴۲-۱۴۰).

نتیجه

علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه یکی از نوگرایانی ایرانی بوده، که در سمت نخستین وزیر علوم و ریاست مرکز علمی دارالفنون اقدامات و فعالیت‌های زیادی را برای توسعه و ترقی علمی و آموزشی کشور انجام داده است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که وی پیشرفت و ترقی علمی و آموزشی، را بستر و پایه اصلی توسعه کشور در همه زمینه‌ها می‌دانست، از این رو در دوران ۲۴ ساله ریاستش بر تمامی مراکز علمی کشور، کوشش‌ها و تکاپوهای زیادی انجام داد تا با اخذ و انتقال علوم و فنون غربی به ایران و ایجاد مراکز و مؤسسات تمدنی جدید براساس الگو و سبک اروپایی ساختار و نظام آموزش سنتی ایران را تا جایی که شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور اجازه می‌داد متحول و نوسازی کند. در واقع وی به عنوان یک دولتمرد اصلاح‌گر در آن دوره دغدغه پیشرفت علمی و آموزشی ایران و رهایی از عقب ماندگی را داشته و راه‌حل عبور از این عقب ماندگی را در نوگرایی علمی و آموزشی از طریق ایجاد و تاسیس نهادهای علمی و آموزشی مدرن در کشور می‌پنداشت. مهم‌ترین برنامه‌ها و اقدامات وی در این زمینه شامل اعزام دانشجو به خارج برای اخذ و انتقال علوم و فنون غربی به ایران، انتشار روزنامه برای بیداری و آگاهی مردم از تحولات داخلی و خارجی، ایجاد و مدیریت دارالترجمه و دارانطباعه برای ترجمه کتابها و آثار علمی آن روز به زبان فارسی، اصلاح و تحول ساختار و نظام آموزشی از طریق منسوخ کردن شیوه‌ها و سبک‌های سنتی و رواج شیوه‌های نوین، گنجاندن علوم و رشته‌های جدید علمی در برنامه درسی و آموزشی کشور، تالیف و ترجمه کتاب و رساله در حوزه‌های مختلف علمی و ایجاد و تاسیس نهادها، صنایع و تجهیزات مربوط به مسائل علمی و آموزشی جدید از جمله کتابخانه، موزه، آزمایشگاه، کارگاه و... بودند. بررسی پیامدها و دستاوردهای این اقدامات اعتضادالسلطنه در عصر ناصری نشان می‌دهد که موجب پی‌ریزی و شکل گرفتن اولین بستر و ساختار جدید علمی و آموزشی مدرن در کشور، رواج و اشاعه علوم و معارف نوین در ایران و تحول

مقاله پژوهشی

ساختار علمی کشور از وضعیت سنتی به مدرنیته گردیده است. با این وجود باید گفت از آنجایی که وی از آن دسته از نوگرایان ایرانی بود که خود عضو نسبی از نظام استبدادی خاندان قاجار بوده است، در برخی از موقعیت‌ها و موارد بنا به مسائل و منافع سیاسی و خانوادگی همسو با خواسته‌ها و سیاست‌های حاکمیت استبدادی قاجار عمل کرده و برای تحول و تغییر در ساختار استبدادی حاکم بر ایران آن زمان، فعالیت و گام جدی بر نداشت. به عبارت دیگر باید گفت دامنه و گستره فعالیت‌های علمی و آموزشی اعتضادالسلطنه تا جایی که منافات یا تضادی با چهارچوب و موجودیت نظام سلطنت قاجار و قدرت شاه به وجود نمی‌آورد مجاز شناخته می‌شد و او به دلایل مذکور با خواسته‌ها و اهداف سیستم استبدادی آن زمان همسو بوده است.

منابع

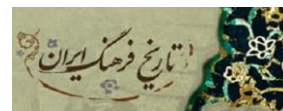
۱. آل داوود، سیدعلی (۱۳۷۹)، اعتضادالسلطنه؛ علیقلی خان، ج ۹، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۲. احتشام السلطنه (۱۳۶۶)، خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید محمدمهدی موسوی، تهران: زوار.
۳. اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰)، اکسیرالتواریخ، به کوشش جمشید کیانفر، ج ۲، تهران: موسسه انتشارات ویسمن.
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۶۷)، (بی تا)، المآثر والآثار، تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.
۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، مرآةالبلدان، تصحیح میرهاشم محدث و دکتر عبدالحسین نوایی، ج ۳ و ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. بامداد، مهدی (۱۳۷۱)، شرح حال رجال ایران قرنهای ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، ج ۱، تهران: انتشارات زوار.
۷. پیرنیا، حسن؛ اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۰)، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، تهران: انتشارات نگاه.
۸. خورموجی، محمد جعفر (۱۳۶۳)، تاریخ قاجار، حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیو جم، ج ۳ و ۲، تهران: نشر نی.
۹. ذبیحی، مسیح (۱۳۸۶)، استرآبادنامه، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۰. راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، تهران: انتشارات، نگاه.
۱۱. رینگر، مونیکا (۱۳۸۱)، آموزش، دین، و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت -خواه، تهران: ققنوس.
۱۲. ساکما، سیر تحول معارف ایران و شرح درس تاریخ ایران پس از اسلام، سعید نفیسی در دانشگاه تهران، شماره سند ۲۴۰/۱۰۱۹۰.
۱۳. صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳)، تاریخ جرائد و مطبوعات ایران، ج ۲ و ۴، تهران: انتشارات کمال.
۱۴. صفائی، ابراهیم (۱۳۴۸)، نخستین وزیر علوم و کارهایش، نگین، شماره ۴، صص: ۱۰۹-۱۲۱.
۱۵. طباطبایی، محیط (۱۳۷۵)، تاریخ تحلیلی مطبوعات، تهران: موسسه انتشارات بعثت.
۱۶. ظل السلطان، مسعود میرزا بن ناصر (۱۳۶۲)، تاریخ سرگذشت مسعودی، زندگی‌نامه و خاطرات همراه با سفرنامه فرنگستان، تهران: بابک، ۱۳۶۲.
۱۷. غفاری کاشانی، قاضی احمد بن محمد (۱۳۶۲)، تاریخ نگارستان، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران: کتابفروشی حافظ.
۱۸. گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳)، تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.

مقاله پژوهشی

۱۹. مجدالملک سینکی، محمد (۱۳۹۱)، کشفالغرائب یا رساله ی مجدیه، تصحیح پیش گفتار و توضیحات ایرج امینی و ناصر مهاجر، تهران: نشر آبی.
۲۰. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۶)، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۴)، چهل سال تاریخ ایران، تصحیح ایرج افشار، ج ۱ و ۲. تهران: اساطیر.
۲۲. مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، ج ۱، تهران: زوار.
۲۳. مشتاقی نائینی، علی بن محمد (۱۳۶۶)، گزارش کویر: سفرنامه صفاءالسلطنه نایینی، تهران: اطلاعات.
۲۴. معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۹۰)، رجال عصر ناصری، تهران: نشر تاریخ ایران.
۲۵. منزوی، احمد، (۱۳۸۳)، فهرست واره کتابهای فارسی، ج ۱ و ۲، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲۶. ناصرالدین، پروین (۱۳۷۷)، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی زبانان، به کوشش احمد - حبعلی موجانی و شهرناز اعتمادی، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۷. یغمایی، اقبال (۱۳۷۵)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
۲۸. یغمائی، اقبال (۱۳۸۲)، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، نشریه آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، سال بیست و چهارم، شماره ۳، صص ۵۳-۶۰.
۲۹. یغمائی، اقبال (۱۳۴۶)، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه نخستین وزیر علوم، نشریه آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، سال سی و هفتم، شماره ۹ و ۱۰، صص ۸۰-۶۹.

روزنامه ها

۳۰. روزنامه ایران، هجدهم ذیقعدة ۱۲۹۵ق، شماره ۳۷۰، ص ۳.
۳۱. روزنامه ایران، نهم ربیع الثانی ۱۲۹۴ق، نمره ۳۱۸، ص ۴.
۳۲. روزنامه ایران، ۱۲۹۳، شماره ۳۰۶، ص ۱.
۳۳. روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۵۰۲، ص ۳.
۳۴. روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۶۳۹، ص ۲.
۳۵. روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۶۰۶، ص ۳.
۳۶. روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۵۲۹، ص ۳.
۳۷. روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۵۵۰، ص ۴.
۳۸. روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۵۴۱، ص ۲.
۳۹. روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۶۱۰، ص ۲.
۴۰. روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۶۴۷، ص ۱.
۴۱. روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۶۰۳، ص ۲.
۴۲. روزنامه دولت علیه ایران، سال دوم، شماره ۶۴۱، ص ۴.
۴۳. وقایع اتفاقیه، سال ۱۲۷۷ق، شماره ۴۶۹، ص ۳.
۴۴. وقایع اتفاقیه، سال ۱۲۷۵ق، شماره ۴۱۱، ص ۲.
۴۵. وقایع اتفاقیه، سال ۱۲۷۵ق، شماره ۳۹۹، ص ۳.
۴۶. وقایع اتفاقیه، دوم شعبان ۱۲۷۴، شماره ۳۷۲، ص ۴.
۴۷. روزنامه وقایع اتفاقیه، نوزدهم جمادی الاول ۱۲۷۶، شماره ۴۵۶، ص ۱.
۴۸. روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲۸۰ق، شماره ۴۶۰، ص ۲.

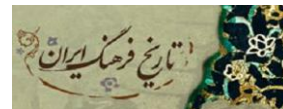


آوانگاری منابع

1. Aldavood, S. A. (1379). *E'tedād al-saltaneh; Aliqoli Khan* (Vol. 9). Tehran: Markaz-e Dāyereh al-Ma'āref-e Bozorg-e Eslāmī.
2. Ehteshām al-Saltaneh. (1366). *Khāterāt-e Ehteshām al-Saltaneh* (S. M. Moosavi, Ed.). Tehran: Zavār.
3. E'tedād al-Saltaneh, A. M. (1370). *Aksir al-tawārikh* (J. Kianfar, Ed., Vol. 2). Tehran: Visman Publications.
4. Etemād al-Saltaneh, M. H. Kh. (1367). *Al-māther va al-āsār*. Tehran: Ketābkhāneh Sanā'i.
5. Etemād al-Saltaneh, M. H. Kh. (1367). *Mar'āt al-bolodān* (M. H. Mohtash, & A. H. Navaei, Eds., Vols. 2-3). Tehran: University of Tehran Press.
6. Bāmdād, M. (1371). *Sharh-e hāl-e rijāl-e Irān dar qarn-hā-ye 12, 13, va 14* (Vol. 1). Tehran: Zavār.
7. Pirnia, H., & Eghbāl Āshtiyāni, A. (1380). *Tārikh-e Irān az āghāz tā enqerāz-e salāsaleh-ye Qājāriyeh*. Tehran: Negāh Publications.
8. Khormuji, M. J. (1363). *Tārikh-e Qājār: Haqāyeq al-Akhbār-e Nāseri* (H. Khodiyu Jam, Ed., Vols. 2-3). Tehran: Nashr-e Ney.
9. Zobihi, M. (1386). *Astarābād-nāme*. Tehran: Amirkabir Publications.
10. Rāvandi, M. (1382). *Tārikh-e ejtemā'i-ye Irān* (Vol. 2). Tehran: Negāh Publications.
11. Ringer, M. (1381). *Āmūzesh, dīn, va goftemān-e eslāh-e farhangī dar dorān-e Qājār* (M. Haghighatkah, Trans.). Tehran: Ghoghnoos.
12. Sākamā. (n.d.). *Sir-e tahavvol-e ma'āref-e Irān va sharh-e dars-e tārikh-e Irān pas az Eslām* (Document no. 10190/240). University of Tehran.
13. Sadrhashmi, M. (1363). *Tārikh-e jarā'ed va matbū'āt-e Irān* (Vols. 2-4). Tehran: Kamāl Publications.
14. Safā'i, E. (1348). *Nokhostin vazir-e olūm va kārhā-ye ū*. Negin, (4), 109-121.
15. Tabataba'i, M. (1375). *Tārikh-e tahlili-ye matbū'āt*. Tehran: B'esar Publications.
16. Zol al-Saltan, M. M. (1362). *Tārikh-e sargozasht-e Mas'udi: Zendegīnāme va khāterāt hamrāh bā safarnāme Farangestān*. Tehran: Bābak.
17. Ghafāri Kāshāni, Q. A. B. M. (1362). *Tārikh-e negārstān* (M. Modarres Gilāni, Ed.). Tehran: Ketābfroshī Hāfez.
18. Golchin-e Ma'āni, A. (1363). *Tārikh-e tazkereh-hā-ye Fārsi* (Vols. 1-2). Tehran: Ketābkhāneh Sanā'i.
19. Majd al-Molk Sinki, M. (1391). *Kashf al-gharāyeb yā resāleh-ye Majdīeh* (I. Amini & N. Mohājer, Eds.). Tehran: Nashr-e Ābi.
20. Mahbubi Ardakāni, H. (1376). *Tārikh-e mosasāt-e tamaddonī-ye jadid dar Irān*. Tehran: University of Tehran Press.
21. Mahbubi Ardakāni, H. (1374). *Chehel sāl-e tārikh-e Irān* (I. Afshār, Ed., Vols. 1-2). Tehran: Asātir.
22. Mostofi, A. (1384). *Sharh-e zendegānī-ye man* (Vol. 1). Tehran: Zavār.
23. Moshtāqi Nā'ini, A. b. M. (1366). *Gozāresh-e kavir: Safarnāme-ye Safā al-Saltaneh Nā'ini*. Tehran: Ettelā'āt.
24. Mo'yer al-Mamālek, D. Kh. (1390). *Rijāl-e 'Asr-e Nāseri*. Tehran: Nashr-e Tārikh-e Irān.
25. Monzavi, A. (1383). *Fehrestvāreh-ye ketābhā-ye Fārsi* (Vols. 1-3). Tehran: Markaz-e Dāyereh al-Ma'āref-e Bozorg-e Eslāmī.
26. Nāser al-Din, P. (1377). *Tārikh-e rooznāme-negārī-ye Irāniyān va digar Pārsī-zabānān* (A. H. Mojāni & Sh. Etemādi, Eds., Vol. 1). Tehran: Markaz-e Nashr-e Dāneshgāhi.
27. Yaghmā'i, E. (1375). *Vazirān-e olūm va ma'āref va farhang-e Irān*. Tehran: Markaz-e Nashr-e Dāneshgāhi.
28. Yaghmā'i, E. (1382). Aliqoli Mirza E'tedād al-Saltaneh. *Nashrieh-ye Āmūzesh va Parvareh (Ta'lim va Tarbiyat)*, 24(3), 53-60.
29. Yaghmā'i, E. (1346). Aliqoli Mirza E'tedād al-Saltaneh, *Nokhostin Vazir-e Olūm. Nashrieh-ye Āmūzesh va Parvareh (Ta'lim va Tarbiyat)*, 37(9-10), 69-80.

Newspapers / Ruznāme

30. *Ruznāme-ye Irān* (18 Dhi'iqdeh 1295 AH), (370), 3.
31. *Ruznāme-ye Irān* (9 Rabi' al-Thani 1294 AH), (318), 4.
32. *Ruznāme-ye Irān* (1293), (306), 1.



مقاله پژوهشی

33. *Ruznāmeḥ-ye Dowlat 'Alayh-e Irān*, Year 2, (502), 3.
34. *Ruznāmeḥ-ye Dowlat 'Alayh-e Irān*, Year 2, (639), 2.
35. *Ruznāmeḥ-ye Dowlat 'Alayh-e Irān*, Year 2, (606), 3.
36. *Ruznāmeḥ-ye Dowlat 'Alayh-e Irān*, Year 2, (529), 3.
37. *Ruznāmeḥ-ye Dowlat 'Alayh-e Irān*, Year 2, (550), 4.
38. *Ruznāmeḥ-ye Dowlat 'Alayh-e Irān*, Year 2, (541), 2.
39. *Ruznāmeḥ-ye Dowlat 'Alayh-e Irān*, Year 2, (610), 2.
40. *Ruznāmeḥ-ye Dowlat 'Alayh-e Irān*, Year 2, (647), 1.
41. *Ruznāmeḥ-ye Dowlat 'Alayh-e Irān*, Year 2, (603), 2.
42. *Ruznāmeḥ-ye Dowlat 'Alayh-e Irān*, Year 2, (641), 4.
43. *Vaghāye '-e Ettefāqiyeh*, Year 1277 AH, (469), 3.
44. *Vaghāye '-e Ettefāqiyeh*, 1275 AH, (411), 2.
45. *Vaghāye '-e Ettefāqiyeh*, Year 1275 AH, (399), 3.
46. *Vaghāye '-e Ettefāqiyeh*, 2 Shaban 1274 AH, (372), 4.
47. *Ruznāmeḥ-ye Vaghāye '-e Ettefāqiyeh*, 19 Jumādā al-Ūlā 1276 AH, (456), 1.
48. *Ruznāmeḥ-ye Vaghāye '-e Ettefāqiyeh*, 1280 AH, (460), 2.